

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

در مورد قدر متيقّن در اخبار موجوده به تواتر اجمالي بر حجيت خبر واحد، عرض كرديم نظري را مرحوم محقق نائيني دارند؛ نظري را مرحوم محقق خوئي دادند؛ و نظر سومي را مرحوم محقق بزرگوار اصولي كبير امام (رض) بيان فرموده‌اند، كه اين‌ها را ذكر كرديم.

بررسی نظر مرحوم محقق فاضل لنکرانی در قدر متيقّن

مرحوم والد ما در كلماتشان فرموده‌اند اگر بخواهيم از اين روايات قدر متيقّن بگيريم، يا اخصّ مضمون را اخذ كنيم، يك خصوصيات ديگري هم بايد اضافه كنيم كه در كلمات مرحوم امام نيامده است. آنچه امام فرمودند اين بود كه وقتي امام معصوم (ع) فرموده «عليك بهذا الجالس»؛ و جالس هم فقيه بوده، معلوم مي‌شود كه فقاهايت دخالت دارد، و همچنين استفاده مي‌كنيم كه اين اخبار دلالت بر حجيت روايت مع الواسطه ندارد و بايد مستقيم اخذ شوند. در بعضي از اين روايات از امام صادق (ع) سؤال مي‌كنند از يك راوي ديگري كه آنچه را از پدر شما نقل مي‌كند، آيا به آن اخذ كنيم؟ حضرت فرمودند: اخذ كنيد؛ **أنه سمع من أبي.**

مرحوم والد ما از اين تعبير كثرت روايت را استفاده فرمودند؛ يعني استظهار كردند كه اين تعبير براي كسي صادر است كه از امام باقر (ع) روايت زياد هم شنيده باشد؛ و الا اگر كسي يك روايت شنيده باشد، عرف چنين تعبيري را بيان نمي‌كند. بنا بر اين، اگر بخواهيم قدر متيقّن گيري كنيم، فقاهايت بلا واسطه بودن دخالت دارد؛ علاوه بر اين، بايد كثرت الرواية را نيز اضافه كنيم. ثقه بودن، عادل بودن، امامي بودن، اين در كلمات ديگران مثل كلام مرحوم آقاي خوئي بود؛ فقيه بودن و اخذ بلا واسطه در كلام مرحوم امام بود؛ و اين خصوصيت ششم - كثرت الرواية - در كلام والد ما آمده است. منتها ايشان مي‌فرمايند: اين قدر متيقّن گيري ضربه‌اي به استدلال نمي‌زند؛ براي اينكه ما در اينجا در مقابل سيد مرتضي مي‌خواهيم دليل بياوريم؛ و سيد مرتضي حجيت خبر واحد را از اساس انكار مي‌كند. ما اگر از تواتر اجمالي در اين روايات اصل حجيت خبر، ولو في الجملة، را به دست بياوريم، كافي است.

مناقشه در نظر مرحوم محقق لنکرانی

مناقشه‌اي كه بر فرمايش ايشان وارد است، اين است كه نزاع بين سيد مرتضي و ديگران در خبر واحد بدون قرينه، و ظني الصدور است؛ خبري كه علم‌آور نيست. حال، اگر از اين روايات قدر متيقّن گيري كرديد، و قدر متيقّن ثقه امامي عادل فقيه بلا واسطه و كثير الرواية شد، خبر كسي كه اين شش خصوصيت را داشته باشد، براي آدم علم‌آور است؛ اين ديگر براي انسان مفيد

ظن نیست؛ و انسان علم به آن پیدا می‌کند. بنابراین، اگر این خصوصیات را به عنوان قدر متیقن معتبر بدانیم، دیگر خبر واحدی که این خصوصیات را دارد، مفید علم است و عنوان ظنی ندارد؛ لذا، نمی‌شود در مقابل سید مرتضی قرار بگیرد.

نظر مرحوم امام در مورد استدلال به بنای عقلا بر حجیت خبر واحد

عرض کردیم مرحوم آخوند (قدس سره) فرموده‌اند: ببینیم کدام یک از روایات واجد این قدر متیقن است؟ اگر روایتی پیدا کردیم که بر سند آن این قدر متیقن صدق کرد، اما دلالت روایت حجیت خبر ثقه مطلق بود، آن را اخذ می‌کنیم که به نظر بسیاری از شراح کفایه همان روایت احمد بن اسحاق است؛ یا روایت یونس بن عبدالرحمان است که این را بحث کردیم. مرحوم امام بعد از اشکالاتی که در جلسه گذشته گفتیم و بر مرحوم آخوند وارد کردند، می‌فرمایند ما بعداً می‌گوییم مهمترین دلیل برای حجیت خبر واحد، بنای عقلاست؛ عقلا خبر واحد ثقه را حجت می‌دانند.

حالا با همین دلیل - یعنی بنای عقلا - بیایم به یکی از این روایات عمل کنیم؛ آن روایت هم دلالت بر اطلاق داشته باشد. می‌فرماید: این راهی را که طی می‌کنیم، نه مستلزم دور است و نه نیازی به اثبات تواتر دارد. در ذهن شریفان هست که اشکال عمده مرحوم امام بر مرحوم آخوند این بود که تواتر باید در همه طبقات باشد؛ یعنی الآن اگر بخواهیم بگوییم خبری برای ما متواتر است، در هر قرنی، این خبر برای علمای آن زمان باید متواتر باشد؛ وگرنه اگر یک نفر در یک قرنی و نفر دوم در قرن دوم و نفر سوم در قرن سوم باشد، تواتر درست نمی‌شود؛ شرط تواتر این است که فی کل طبقه تواتر باشد.

بعد به مرحوم آخوند فرموده‌اند: این روایات بر می‌گردد به محمدون ثلاث صاحبان کتب اربعه، غیر از اینها کس دیگری ناقل این روایات نیست؛ لذا، شرط تواتر در این روایات منتفی است. - البته ما در بحث گذشته جواب دادیم و گفتیم این در تواتر لفظی و در تواتر معنوی شرط معتبر است، اما در تواتر اجمالی اعتبار ندارد. - می‌فرمایند: راهی که الآن داریم طی می‌کنیم، که بنای عقلا بر این است که خبر واحد ثقه حجت است؛ بعد بیایم با بنای عقلا یکی از این روایات که راویش هم ثقه است را اخذ کنیم.

ایشان می‌فرمایند: این راه نه مستلزم دور است؛ نیامدیم برای حجیت خبر واحد به خبر واحد استدلال کنیم؛ نه محتاج به اثبات تواتر فی جمیع الطبقات است؛ نیاز به اینها نداریم. از راه بنای عقلا می‌آییم می‌گوییم بنای عقلا بر حجیت خبر واحد ثقه است؛ الان هم این خبر که آمده، دلالت بر حجیت خبر واحد دارد، راویش هم ثقه است. پس، به این خبر عمل می‌کنیم. این خبر هم می‌گوید هر خبری می‌خواهد باشد، عادل باشد غیر عادل باشد، امامی باشد غیر امامی باشد، و هكذا؛ حجیت دارد. این بیان مرحوم امام در صفحه‌ی 482 یا 483 از جلد 1 کتاب معتمد الاصول وجود دارد.

مناقشه در نظر مرحوم امام

اشکال و مناقشه این بیان آن است که اگر گفتیم بنای عقلا بر عمل به خبر ثقه است و دلیلی هم در روایات بر خلاف این بنای عقلا نداشتیم، به همان بنای عقلا عمل می‌کنیم و دیگر نیازی به روایت نداریم؛ وقتی می‌خواهیم به روایات استدلال کنیم، می‌خواهیم بگوییم خود روایت دلالت دارد که خبر ثقه حجیت دارد مطلقاً؛ شما اگر می‌فرمایید باید حجیت این روایت را با بنای عقلا حل کنیم، دیگر اینجا استدلال به روایت نمی‌شود؛ بلکه استدلال به بنای عقلاست؛ وقتی بنای عقلا بود، دیگر کاری نداریم که آیا روایتی می‌گوید خبر ثقه حجیت دارد یا روایتی نیست که این مطلب را بگوید. بله، اگر در میان روایات، روایتی باشد که بگوید این حرفی که عقلا زدند مبني بر عمله به خبر ثقه، درست نیست؛ بلکه شخص باید امامی و عادل باشد.

در این صورت، بنای عقلا مورد ردع قرار می‌گیرد. اما الآن فرض ما اینجا این است که بنای عقلا بر حجیت خبر واحد ثقه است

و ردعي هم از طرف شارع براي آن نرسیده است؛ و لذا، آن را مي‌خواهيم مستند حجيت خبر واحد قرار دهيم. بنابراین، اگر به اين روايت طبق بناي عقلا عمل كنيم، اين روايت هم مي‌گويد خبر واحد ثقه مطلقاً حجيت دارد، چه نيازي است كه اصلاً بياييم به روايت استدلال كنيم. بنابراین، اين فرمايش هم مورد مناقشه است.

و به نظر ما اصل فرمايش مرحوم آخوند درست است. تا اينجا نتيجه اين مي‌شود كه ما تواتر اجمالي، قدرمتيقن و كلام مرحوم آخوند را پذيرفتيم. مرحوم آخوند مي‌گويد در بين روايات، روايتي كه سندش اين قدرمتيقن را دارد، اما دلالتش وسيع است و مي‌گويد خبر ثقه، چه امامي و چه غير امامي، چه عادل و چه غير عادل، حجيت دارد، كافي است. اين فرمايش متين بوده، و مناقشه‌اي بر آن وارد نيست.

نكاتي به مناسبت سي‌امين سالگرد پيروزي انقلاب اسلامي

در اين ايام در دهه‌ي فجر انقلاب قرار گرفتيم، و سي‌امين سالي است كه از پيروزي انقلاب ما مي‌گذرد، چند نکته بايد مدّ نظر ما باشد كه در اين وقت کوتاه خدمت شما فضلاً عرض مي‌كنم.

نکته‌ي اول: در مورد ضرورت كاري است كه امام و روحانيت و مردم انجام دادند. سي سال است كه از انقلاب گذشته، ما بايد فكر كنيم كه اگر اين حركت عظيم و اين نهضت مبارك نبود، بر سر اسلام و حوزه‌ها، روحانيت و مردم چه آمده بود؟ ما معتقد هستيم كه واقعاً اگر اين انقلاب در كشور نشده بود، امروز چيزي به نام حوزه علميه نداشتيم؛ چيزي به نام روحانيت نداشتيم.

سياست‌هايي كه از كشورهاي خارجي و از پايگاه‌هاي جاسوسي دنيا براي ايران ديكتة مي‌شد، و حكومت ايران آن را پياده مي‌كرد، در آن سياست‌ها حذف دين به عنوان يك هدف اصلي مطرح بود. براي گرفتن دين نيز بايد مروّجين دين را از بين ببرند؛ پايگاه‌هاي تعليم و تربيت ديني را بايد محو كنند.

اين كار از زمان رضا خان شروع شد و در زمان محمدرضا پهلوي هم ادامه پيدا كرد. نمي‌دانم كدام يك از آقاياں قبل از انقلاب در قم بوديد، چندين سال درب مدرسه فيضه بسته شده بود؛ مدرسه فيضيه با عظمت چندين سال بود كه بسته شده بود، آرام آرام دنبال اين بودند كه بقيه مدارس را هم ببندند و به طور كل، فاتحه روحانيت را بخوانند.

حال، با قطع نظر از مسئله حوزه، ديگر دين در جامعه امروز حضور نداشت. ببينيد چقدر آثار ديني از در و ديوار اين مملكت نمايان است؟ زماني بود كه بزرگان ما، مبلغين ما، آرزو داشتند يك دقيقه از صدا و سيما حداقل يك حديث براي مردم بخوانند؛ اما امروز مي‌بينيم كه واقعاً صدا و سيما، شبكه‌هاي مختلفي كه دارد، در قرآن، در معارف، در مسائل ديگر كه در مناسبت‌ها پخش مي‌شود، اينها مردم را به مسئله ولايت ائمه معصومين(ع) توجه مي‌دهند. امروز ولايت در اين كشور ترويج مي‌شود؛ البته نمي‌خواهيم بگويم همه كارهاي صدا و سيما درست است؛ نه، انتقاد هم داريم. باعث به وجود آمدن برخي از مشكلات هم شده است؛ اما وقتي مجموعه را نگاه مي‌كنيم، يك نويد بزرگي است كه مجموعه به سمت اين است كه دين در اين كشور حكومت پيدا كند؛ تمام ابعاد ديني در اين مملكت پياده شود.

در زمان گذشته يك روحاني نهايتش اين بود كه يك منبر پيدا كند؛ غايتش اين بود كه پاي منبر او هزار نفر و يا دو هزار نفر بنشينند؛ اما امروز، من گاه صبح بعد از نماز بعضي از شبكه‌ها را مي‌بينم كه سخنراني يكي از خطبا را گذاشته است؛ بعضي‌هايش خيلي خوب است؛ و بعضي‌هايش متوسط است، و طبعاً برخي هم ضعيف است.

بعضي را اصلاً جايز نيست، بگذارند. يادم مي‌آيد يك وقتي خدمت حضرت والدمان(رض) بوديم كه يك آقاي روحاني داشت از تلويزيون صحبت مي‌كرد؛ يك مطلب بسيار باطل و سخيبي را گفت. ايشان به من فرمودند: شما به مسؤول صدا و سيما زنگ

بزن و از قول من بگو حرام است این آقا سخنرانی می‌کند و شما در تلویزیون صحبت او را می‌گذارید. اینها بوده و هست؛ ولی مجموع را که انسان نگاه می‌کند، واقعاً فضا برای ترویج دین روز به روز به برکت این انقلاب بیشتر می‌شود؛ و این جای شکر دارد. باید گفت همانطور که حدوث این انقلاب بر دوش روحانیت بود، استمرار این انقلاب هم بر دوش روحانیت است.

اگر کسانی فکر کنند بدون روحانیت انقلاب استمرار پیدا می‌کند، بسیار در اشتباه هستند؛ انقلاب با ماهیت اسلامی خودش، با ماهیت اصیل پیروی از مکتب اهل بیت (ع) فقط در سایه هدایت مراجع و رهبری و روحانیت و حضور فعال روحانیین در همه عرصه‌هاست؛ و ما باید به این امر توجه داشته باشیم. امام عظیم الشان که واقعاً هرچه زمان می‌گذرد، انسان به ابعاد وجودی آن مرد بیشتر پی می‌برد؛ ببینید همان ایام سال 57 روزهایی بود که هر دقیقه‌اش یک تصمیم بسیار اساسی از طرف امام برای رهبری انقلاب و برای جامعه اتخاذ می‌شد؛ که اگر یکی از آن تصمیم‌ها یک مقداری اشتباه بود، کاملاً مسئله دگرگون می‌شد.

ایشان چه خدمت بزرگی کردند؛ چه حرکت بزرگی آفریدند؛ و حق بزرگی بر همه دارد تا پایان دنیا و پایان این عالم. این مرد بزرگ بر همه ما حق دارد. نکته دومی که می‌خواهم عرض کنم این است: آنچه امام بزرگوار ما را به عنوان امام قرار داد، من گاه فکر می‌کنم که واقعاً مشخصات امام چیست؟ امام استعداد در حد فوق العاده داشتند که باید اسمش را نبوغ گذاشت. پشت کار در حد زیاد، علم، جامعیت، اصلاً در این پنجاه ساله اخیر، در این صد ساله اخیر، - این را که دارم عرض می‌کنم، واقعاً از روی تحقیق می‌گویم - کسی را به جامعیت علمی امام سراغ ندارم!

بزرگانی داشتیم که جامع بین معقول و منقول بودند؛ اما جامعیتی که امام داشتند، امام یکی از مبتکرین در علم اصول است؛ یکی از فقهای بسیار بسیار قوی است؛ یکی از عرفای تراز اول است؛ یکی از حکمای رده اول است؛ یکی از مفسرین برجسته است؛ یکی از اساتید برجسته درس اخلاق است؛ ما اگر بخواهیم در این صد ساله‌ی اخیر حوزه بگوئیم دو استاد اخلاق در این حوزه بودند، یکی حاج میرزا جواد آقای ملکی بوده و یکی هم امام بوده است. همچنین هوش سیاسی امام که همیشه از ریزترین مسائل جامعه خبر داشته است. ما گاه می‌گوییم به ما چه ربطی دارد که امروز در مجلس چه می‌گذرد؛ به ما چه که امروز در عراق چه می‌گذرد؛ به ما چه ارتباطی دارد در افغانستان چه می‌گذرد؛ ما مشغول درس خودمان باشیم. این معنایش آن است که شما مسئولیت خود را در حد خانه خودتان منحصر کرده‌اید. آن وقت ببینید چه نتیجه‌ای خواهد داشت؟

از همه قضایا اطلاع داشته باشید. البته اطلاع به این معنا نیست که آدم واقعاً درس و بحث را کنار گذارد؛ شبانه روز بنشیند پای روزنامه و تلویزیون؛ نه، امام هم کپی این کارها را می‌کرد؛ همه این‌ها درست، اما آن ویژگی که نقش اول را داشته، کدام است؟ آن که واقعاً در میان این‌ها عامل درجه اول بوده، کدام بوده است؟ آن، توحیدی بود که امام به آن رسیده بود؛ و آن ارتباطی بود که با خدا داشت. نه ارتباط عوامانه، نه ارتباط زاهدانه منفی، بلکه ایشان ارتباط عالمانه و فقیهانه با خدا داشت. کسی در آن شرایط بسیار خفقان‌آور که اصلاً انسان جرأت نمی‌کرد لفظ شاه را بگوید، بیاید اینطور در مقابل شاه بایستد، در مقابل حکومت ظالم بایستد، و قسم هم یاد بکند که من و الله یک لحظه هم نترسیدم! این چیست؟ جز این که واقعاً یک موحد واقعی بود؟.

خدا را با همه وجود شناخته بود؛ یعنی با تمام وجود خدا را حس کرده و شناخته بود. حوزه و ما اگر بخواهیم برای خدمت به دین موفق شویم، باید همین راه طی کنیم؛ البته عرض کردم عوامل دیگر هم بسیار نقش دارد؛ اگر امام مرجع تقلید نبود، این انقلاب واقع نمی‌شد؛ اگر امام هوش سیاسی نداشت، توطئه‌ها را نمی‌توانست متوجه شود.

اما در کنار همه اینها، آن تهذیب نفسی که داشت و آن توحیدی که در اثر زحمتهای فراوان علمی و عملی به آن رسیده بود، اینها از امام، امام ساخت. بنابراین، ما باید قدر انقلابمان را بعد از گذشت سی سال بدانیم که حالا چون وقت نیست من نمی‌توانم به تمام فوائد انقلاب اشاره کنم؛ اما راجع به مجموعه روحانیت، ما اگر انقلاب را راجع به مجموعه روحانیت ملاحظه کنیم، می‌بینیم که واقعاً این انقلاب یک حیات جدیدی برای روحانیت است؛ حیات جدیدی برای فقه است؛ حیات جدیدی برای حوزه‌هاست.

امروز ببینید که به برکت این انقلاب دایره علمی در حوزه‌ها وسعت پیدا کرده است و باید قدر این انقلاب را بدانیم. وظیفه‌مان را ببینیم چیست، آن را انجام دهیم و جایی هم که باید انتقاد کنیم، انتقاد کنیم؛ اما برای خدا و برای حفظ انقلاب به دور از حزب‌گرایی و گرایش‌های فاسدانه. روحانیت اگر استقلال خودش را حفظ کند، در دایره تحذیب‌گرایی، و گرایش‌های سیاسی قرار نگیرد، فقط در دایره خدایی باشد؛ از اول فلسفه وجودی روحانیت هم در همین دایره است؛ اگر در این دایره باشد، می‌تواند قدم بزرگی باشد و ثمره‌ی خوبی برای مجموعه بشریت داشته باشد. قدم بزرگی را برای مجموعه بشریت می‌تواند بر دارد. ان شاء الله.

وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.